



زالو و زالو درمانی!

زالو هنگام مکیدن خون ، مواد متنوعی ترشح می کند که خواص درمانی دارند. معروف ترین ماده مترشح از زالو هیرودین است.

سلامت نیوز : زالو هنگام مکیدن خون ، مواد متنوعی ترشح می کند که خواص درمانی دارند. معروف ترین ماده مترشح از زالو هیرودین است.

به گزارش سلامت نیوز به نقل از برترین ها ؛ خواص مواد ترشح شده در خون توسط زالو به طور خلاصه به شرح زیر است :

* خاصیت بی حس کنندگی : باعث کاهش درد موضعی هنگام نیش زدن می شود که عمدتاً به دلیل وجود ماده هیرودین (Hirudin) است.

* خاصیت گشادکنندگی عروق : به دلیل وجود ماده هیستامین است.

* خاصیت ضد انعقادی : به دلیل وجود آنزیم هیالورونیداز موجود در بزاق زالو است. این آنزیم خاصیت آنتی بیوتیکی و حل کردن موکوس بسیار قوی دارد به طوری که در درمان گلوکوم هم بسیار موثر است.

* خاصیت آنتی بیوتیکی : این خاصیت اخیراً مورد توجه بسیاری قرار گرفته و بر بیماری های ناشی از استاف طلایی و میکروب سل و اسهال خونی و دیفتری موثر است.

* خاصیت ضد التهابی و ضدلخته ای

خواص بزاق زالو ذیلا به تفصیل آمده است :

آب دهان زالو (بزاق) حاوی بیش از یکصد نوع ماده حیاتی مفید است که موجب درمان بیماری های مختلفی می شود. این انگل کوچک و شگفت آور به علت توانایی فوق العاده ای که در درمان بیماری ها دارد جایگاه ویژه ای در طب دارد. کشور ما دارای ذخایر بسیار زیادی از این جانور است و با داشتن تجربیات بسیار گرانبه و طولانی در این زمینه ، متأسفانه با روش زالو درمانی بیگانه است. در کشور ما از این نعمت خدادادی برای رفع آلام و دردها استفاده مطلوب نمی شود ، در حالی که ایران می تواند یکی از مراکز زالو درمانی دنیا باشد. در بین گونه های زالوی پزشکی بهترین نوع آن نوع شرقی است که زالوهای موجود در ایران از این نوع است. عمده خواص درمان زالو در بزاق درمان است ، به طوری که شاید بیشتر از وزن بدنش قادر به تولید بزاق باشد و وقتی به جایی از بدن می چسبد آن قدر آب بزاق تولید می کند که از زیر بدن حیوان بزاق می چکد. عصاره ی آب دهان زالو شامل دو دسته از مواد هستند که گروهی به عنوان نروترانسمیتر بر روی پایانه های عصبی عمل می کنند و موجب تحریک عمومی روی نقاط طب سوزنی می شوند و دسته دیگر که بر روی گردش خون عمومی و مویرگ ها عمل کرده و به عنوان ضد انعقاد ، ضد تورم و ضد درد ایفای نقش می کنند.

در زیر به مهمترین آنزیم ها و ترکیبات موجود در بزاق زالو می پردازیم :

1) هیرودین: در بزاق زالوی پزشکی ترکیبی وجود دارد به نام هیرودین که از انعقاد خون جلوگیری می کند. ترکیبات بزاق زالو به عنوان ماده فیبرینولیتیک عمل کرده ، از عمل فیبرین جلوگیری می کند ؛ ضد پلاکت است و از بهم چسبیدن پلاکت ها جلوگیری می نماید. امید است در آینده بتوان با شناسایی مولکولی ترکیبات بزاق زالو از آن به عنوان درمان بیماری های ترومبوتیک استفاده کرد. در سال 1884 پروفسور فیزیولوژی دانشگاه ولز به نام جابن هی کرافت به خاصیت ضد انعقادی ترشحات گوارشی زالو پی برد و در سال 1950 فریتس مارکواست از آلمان توانست پروتئین هیدرودین را از زالوی پزشکی جدا کند.

هیرودین مهمترین ماده ضد انعقاد بزاق زالو است. پروتئینی متشکل از 65 اسید آمینه است و ردیف اسیدهای آمینه آن با تکنیک PCR مشخص شده است. خاصیت ضد انعقادی هیرودین قوی تر از هپارین است. عمل هیرودین به وسیله عوامل دیگر موجود در زالو مانند همنتین و آنتی استاتین تقویت می شود. فعالیت هیرودین را از روی خاصیت ترومبین آن بیان می کنند. امروزه فرم نو ترکیب هیرودین به نام لیپرودین سنتز شده است. هیرودین توانایی زیادی در ممانعت از انعقاد خون دارد به طوری که چند قطره بزاق دهان زالو قادر است مقدار زیادی خون را به صورت مایع نگه دارد و مانع انعقاد آن شود (با آزمایشی که به صورت تجربی بر روی خون مکیده شده توسط زالو انجام شد زمان لخته شدن خون به بیش از 6 ساعت افزایش یافته بود).

وقتی که خون با لبه بریده بافت تماس حاصل می کند فاکتور 12 یا هاگمن فاکتور فعال می شود. متعاقب فعال شدن این فاکتور انعقادی يك سری آنزیم ها از جمله آنزیم پروتئاز ترومبین فعال می شود این آنزیم سبب تبدیل فیبرینوژن به فیبرین می شود و فیبرین به صورت رشته های کلاف مانند ، محل بریدگی را می بندد و مانع خونریزی می شود و خون را منعقد می کند. هیرودین به صورت خیلی اختصاصی و قوی از فعالیت آنزیم پیروتناز ترومبین جلوگیری می کند و مانع انعقاد خون می شود. فیبرینوژن يك مولکول دایمر است و دو محل اتصال (FG) یا (Binding sites) برای رسپتور پلاکت های فعال شده دارد. (Gp116-111a) این محل اتصال می تواند سبب اتصال پلاکت ها و ایجاد تجمع پلاکتی کند. احتمالاً هیرودین مانع اتصال دور رسپتور (Fg/Gp) می شود و از این طریق مانع انعقاد خون می شود از تجمع پلاکت ها جلوگیری می کند. اتصال پلاکت ها در داخل عروق می تواند مرجع به تشکیل پلاکت های عروقی و انسداد عروق شود.

خواص دیگر هیرودین:

هیرودین با انبساط ماهیچه های صاف جدار عروق سبب گشادی عروق و افزایش جریان خون می شود. هیرودین خاصیت بی حس کنندگی دارد ؛ لذا دقایقی بعد از چسبیدن زالو به محل و ترشح بزاق منطقه بی حس می شود و احساس سوزش ناشی از نیش زالو از بین می رود و بیمار به راحتی وجود زالو و خونخواری آن را تحمل می کند. بطور کلی برای هیرودین اثرات آنتی کواگولانت ، آنتی ترمبوتیک ، ترمبولیتیک ، آنتی ایسکمیک ، هیپوتنسیو ، تحریک کننده سیستم ایمنی ، ممانعت از تصلب شرائین ، بی حس کنندگی ، آنتی باکتریال و خاصیت ضد التهابی شناخته شده است. پژوهشگران دپارتمان فارماکولوژی دانشگاه کنتاکی طی تحقیقاتی ، اثرات ضد انعقادی هیرودین را با هپارین مقایسه کرده اند :

* هیرودین برای فعال شدن نیاز به کوفاکتور ندارد.

* هیرودین اثرات پایدار و یکنواخت وابسته به دوز دارد.

* هیرودین اثر مستقیم روی مهار ترومبین دارد.

* هیرودین مسمومیت ندارد.

* هیرودین بی حسی موضعی می دهد.

(2) بدلیل: این يك آنزیم مهار کننده پروتئازها مانند تریپسین کیموتریپسین یا پلاسمین است که فاکتورهای تورم و پخش شدن در بافت می باشد.

(3) آپیراز: آپیراز يك آنزیم قوی ضد تجمع پلاکت ها با اثرات روان سازی جریان خون است.

(4) اگلین: اگلین ، ضمن این که يك آنزیم ضد تورم است ، ضد اکسیداسیون و ضد رادیکال نیز می باشد.

(5) دستابیلز: این آنزیم که يك فاکتور ضد تجمع پلاکتی بسیار قدرتمند است ، با اثرات فیبرینولیزی و هیدورلیزکنندگی منجر به حل شدن لخته های خونی تشکیل شده می شود ، این آنزیم به وسیله ی نیکونوف کشف گردید که يك شیوه ی درمانی بسیار هیجان انگیز را معرفی کرد.

(6) هیالورونیداز: این ماده هم به عنوان فاکتور پخش کننده و هم به عنوان يك عنوان يك آنتی بیوتیک عمل می کند. این آنزیم با حل

کردن مواد بافتی ، زمینه پخش بزاق زالو را در بافت‌ها فراهم می‌کند و با این کار زالو توانایی می‌یابد بافت‌های دور دست را نیز تحت تأثیر قرار دهد و اثرات درمانی در همه جای بدن به خصوص در نزدیکی محل اتصال زالو به بدن بر جای بگذارد.

(7) لیبازها و استرازاها: از لیپولیتیک فاکتورها هستند و چربی‌ها را تجزیه می‌کنند و استفاده‌های درمانی از آن شروع شده است.

(8) یک ماده بی حس کننده: وقتی زالو پوست را نیش می‌زند ، ایجاد یک زخم به شکل Y می‌کند ، که کاملاً بدون درد می‌باشد و به دلیل وجود ماده قوی بی‌حس کننده ، به سادگی ، احساس خنکی ایجاد می‌نماید. و بعد از حدود 5 دقیقه پس از چسبیدن زالو به محل ، بیمار دیگر احساس درد و سوزش ندارد و تا آخرین مرحله زالو درمانی ، موجود زالو روی بدن به راحتی تحمل می‌شود.

(9) آنتی الاستاز: این ماده که از طریق کنترل عمل الاستاز فعالیت می‌کند ، آنزیمی است که الاستین جلدی را به خصوص در پوست ، تنزل می‌دهد.

(10) ماده گشادکننده رگ: این ماده که هنوز به طور رسمی مشخص نشده بسیار شبیه هیستامین است. این ماده مانند نوروترانسمیترها که از 34 غذای مغزی که در طول بدن زالوی هیروودمدیسینالین تقسیم شده‌اند ، ترشح می‌شود. چند دقیقه پس از اتصال زالو محل نیش قرمز و پر خون می‌شود ؛ شاید این پرخونی را بتوان به این ماده نسبت داد که قوی (جریان) خون را در محل افزایش داده است.

(11) منوکسید نیتروژن سنتتاز: این فاکتور موجود در بزاق زالو شبیه به نوع انسانی است که سبب ترمیم اعصاب صدمه دیده می‌شود.

(12) اورگلاز: دارای اثرات درمانی در بیماری آرتروز است. بسیار دیده شده است که افراد مبتلا به آرتروز زانو که از درد زانو و محدودیت حرکتی زانوها رنج می‌برند با چند جلسه زالو درمانی بهبودی بسیار می‌یابند. و ما این را به کرات تجربه کرده‌ایم. زالو همچنین کاتکولامین ترشح می‌کند که روی پایانه‌های عصبی بخصوص در پوست مانند دوپامین و سروتونین عمل می‌کند.

استیل کولین مترشحه در هیروودمدیسینالین خیلی مهم است. روش رسمی برای سنجش استیل کولین در بافت ، بر اساس یک روش بیولوژیک شامل قدرت انقباض قسمت پشت زالو می‌باشد.

مواد دیگری مانند استیل کولین ، نوروترانسمیترها مواد شبه هیستامینی با اثرات وازودیلاتوری ، Hementin ، Anti statin ، و آنزیم مشابه Prostaglandine (PG12) که مانع فعالیت کالیکرین و فاکتورهای XI و XII می‌شود نیز در بزاق زالو یافت می‌شود.

خواص درمانی زالو :

زالو خون را بهتر از حجامت از عمق بدن بیرون می‌کشد. زالو انداختن برای بیماریهای پوستی مثل جوش ، دمل‌های صورت ، لکه‌ها و نقطه‌های سیاه و سفید و نظایر آن مفید است. امروزه زالو به دلیل خاصیت ضد انعقاد خود یکی از ابزارهای جراحی در پیوندها و دوام بافت پیوندی است. هر زالو حدوداً 5CC خون در مرحله اول می‌مکد. البته اگر خونریزی را قطع نکنید ممکن است تا 150CC خونریزی ادامه یابد (10 ساعت یا بیشتر). طی زالو درمانی با 10 عدد زالو ، خون از دست رفته (شامل خونریزی پس از اتمام خونخواری) 250-350 CC خواهد بود. تحقیقات نشان می‌دهد که 3-5 روز پس از زالو اندازی عروق جدیدی در اطراف و حاشیه‌ی محل نیش زالو به وجود می‌آیند که برای تخلیه عروقی این ناحیه مفیدند. بنابراین از نظر درمانی بسیار مهم است که درمان به زودی قطع نشود ؛ بلکه در دفعات بعدی نیز ادامه یابد تا بیماری و آسیب مرتفع شود. اثرات فارماکولوژیکی بزاق زالو به مدت 10 ساعت یا بیشتر در محل زخم باقی می‌ماند. چنین اثراتی را نمی‌شود با مصرف مواد ضد انعقادی معمولی مثل هپارین در زخم‌های کوچک پوست به وجود آورد. در بیشتر روش‌های جراحی استفاده از زالو توسط جراح ماهر برای بیمار توضیح داده می‌شود ، این روش قدیمی یک روش بی درد کننده اساسی است ؛ زیرا ترشحات زالو با تأثیر بر روی اعصاب اطراف محل درد ، بی‌حسی موضعی ایجاد می‌کند.

جایگاه زالو در طب سنتی ایرانیان : شیخ‌الرئیس ابن‌سینا باب مبسوطی پیرامون زالو دارد و چنین می‌فرماید :

&171#از زالوهایی که کرک‌ریز و نرم دارند یا لاجوردی رنگ هستند پرهیز کنید زیرا دچار غشی، خونریزی، تب، سستی و قرچه‌های بدخیم خواهید شد. از زالویی استفاده شود که در آب‌های خزه‌دار که محل زیست قورباغه‌هاست نمو کرده و نه زالویی که در آبهای گل‌آلود سیاه بوده است. زالو بهتر است &171#جحات» خون تباه را از عمق بدن بیرون می‌کشد. زالو را ابتدا سرازیر نگهدارید تا استفراغ کند و محتویات شکمش بیرون آید سپس اندکی خون بره به او بدهید. سپس مواد چسبنده و کثیف بدن او را با بوراکس پاک کنید (استفاده از مواد صابونی عطردار مضر است) و جایی را که می‌خواهید زالو بگذارید با دست مالش دهید تا سرخ شود. اگر جای زالو انداختن را با گل سرشور یا خون اندود کنند. زالو بهتر می‌چسبد. بهتر آن است که پس از جدا شدن زالو، محل گزش او را

حجامت برنهد تا احيانا اگر آزاری و عفونتی بر اثر نیش زالو عارض شده، از بين برود اگر پس از زالو اندازی خون بند نمی‌آید مازوج سوخته، نوره، خاکستر یا سوده نرم (یا پودر باقلا و زردچوبه) استعمال شود. زالو اندازی برای بیماری‌های پوست از قبیل جوش‌ها، دمل‌ها، لکه‌های سیاه و نقطه‌های سیاه و سپید و... مفید است.»

در طب عامیانه نیز زالو در کوچه و بازار به فروش می‌رسیده و تا حدود سی سال قبل، همه می‌دانستند که برای علاج زخم چرکین و دمل بهترین درمان زالو اندازی است. یا برای پیشگیری از فساد دهان و لثه و داشتن دندانهای محکم باید بناگوش را زالو گذاشت. مخبرالسلطنه در کتاب خاطرات و خطرات حکایتی جالب نقل می‌کند: «جهانگیرخان وزیر صنایع دچار قانقریا شد و دکتر تولوزان فرانسوی (پزشک مخصوص دربار) دستور به قطع پای ایشان داد. آشنایان جهانگیرخان با قطع پا مخالفت ورزیده و میرزاحسن‌خان جراح‌باشی محله را به عیادت جهانگیرخان آوردند. او پس از معاینه گفت به من یازده روز فرصت دهید تا این پا را معالجه کنم. میرزاحسن در سه نوبت زالوی زیادی به پای بیمار انداخت و پس از یاده روز از تولوزان فرانسوی دعوت کردند که پا را ملاحظه کند. تولوزان وقتی پا را دید، بهبود آن را تأیید کرد و از اینکه قبلاً به میرزاحسن ناسزا گفته بود معذرت خواهی کرد و دویست تومان به میرزاحسن داد.»

زالو اندازی جزو سنت‌های درمانی پذیرفته شده و به همان معروفیت و مقبولیت حجامت و فصد (رگ‌زنی) بین توده‌های مردم رواج داشت. آری این حیوان يك گرمی به ظاهر مشمئز کننده طی سالیان دراز بیماری‌های صعب‌العلاجی را براحتی درمان می‌کرد و بیماران را از صرف هزینه‌های گزاف، بریده شدن از اندام‌ها، بد شکل شدن پوست، فلج شدن ناشی از سکتة مغزی و . . . نجات می‌داده است. تأیید این نظر را با پرسش از افراد 40 سال به بالا می‌توانید جستجو کنید. دیدگاه حکیم جرجانی پیرامون زالو درمانی: جرجانی معتقد است بهترین زالو، زالوی موجود در آب‌های پاکیزه است و شکل او باید همانند دم موش باشد و شکم او سرخ و پشت او سبز و سرش کوچک باشد و او نیز معتقد است منفعت زالو بیشتر در بیماری‌های پوستی مانند ریش بلخی، قوبا، سعه و . . . می‌باشد. طریقه استعمال و موارد احتیاطی که جرجانی برشمرده همان دیدگاه بوعلی‌سیناست که از تکرار آن صرف‌نظر می‌کنیم. نکته بارز افتراق دیدگاه جرجانی با تمام حکما درباره کاربرد زالو این جمله او در کتاب ذخیره است که می‌فرماید: «نخست تن را به فصد و مسهل پاک باید کرد و سپس دیوچه (زالو) را فراز گذارید تا منفعت او پدید آید»